

پژوهش‌های زبانی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹



10.22059/jolr.2020.295585.666597

Print ISSN: 2288-1026-Online ISSN: 3362-2676

<https://jolr.ut.ac.ir>

A Survey Analysis of the Use of Kurdish Kinship Terms and Persian Borrowed Equivalents (Based on Data from Kalhori Kurdish)

Shahram Jamali Nesari

PhD Candidate of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran,

Habib Gowhari¹

Assistant Professor of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran,

Received: April 6, 2020 & Accepted: August, 15, 2020

Abstract

This study set out to examine the use of Kurdish kinship terms compared with Persian borrowed equivalents in Kalhori Kurdish. Matras (2009), Treffers-Daller (2010) and Muysken, (1987) were frequently cited and adopted as theoretical model. Methodologically, this study is quantitative and descriptive. To achieve the goals, a list composed of almost all Kurdish kinship terms together with Persian borrowed equivalents were distributed among the participants to choose from. Based on gender, age and educational backgrounds, the subjects were divided to eight groups: young male/ female educated; old male/ female educated; young male/ female uneducated; old male/ female uneducated participants. For each group, 10 people were selected randomly. Therefore, a total number of 80 participants were selected to respond to the provided list through interview. For each kinship term, different contexts were provided and then the participants were asked to choose either the local kinship term or the borrowed one from Persian. To analyze the data, SPSS (version 23) was employed. As for the statistical test, ANOVA was employed to find any meaningful relation between the three independent variables of the study (age, gender and educational background) and the participants' choice among the Kurdish kinship terms and Persian borrowed ones (dependent variable). Unlike the predictions of the theory of borrowing hierarchy (Muysken: 1987), the results indicated the Kurdish kinship terms were used much more frequently than their (more prestigious) Persian equivalents in Kalhori Kurdish. On the average, different groups employed at least 54.5% to 100% Kurdish kinship terms in responding to the distributed questionnaire. Since, no Kurdish lexical gap was found in the provided list, the results were in line with the predictions of the theory of lexical gap (Matras, 2009). Regarding the attested variations among different groups, results showed that education and age play a meaningful role, while, sex was found to be statistically insignificant.

Keywords: Kinship Terms, Borrowing, Lexical Gap, Kalhori Kurdish, Language Contact.

1. Email of the corresponding author: h_gowhary@yahoo.com

بررسی میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی و وام‌واژه‌های فارسی معادل آنها در کردی کلهری

شهرام جمالی نصاری

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

حبیب گوهری^۱

استادیار زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۵/۲۵

(از ص ۴۹ تا ص ۷۲)

علمی- پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی و وام‌واژه‌های فارسی معادل آنها در کردی کلهری صورت می‌پذیرد. از لحاظ روش تحقیق، این پژوهش کمی و توصیفی است. میوسکن (۱۹۸۷) و ماتراس (۲۰۰۹) به عنوان چارچوب نظری مورد استناد قرار گرفته‌اند. برای تحقق هدف پژوهش حاضر فهرستی از تمام اصطلاحات خویشاوندی تهیه شد و در اختیار افراد شرکت‌کننده قرار گرفت. بر اساس متغیرهای سن، جنسیت و تحصیلات، افراد شرکت‌کننده به هشت گروه تقسیم شدند: مردان/ زنان باسواد جوان، مردان/ زنان بی‌سواد مسن، مردان/ زنان بی‌سواد جوان و مردان/ زنان بی‌سواد مسن. برای شرکت در مصاحبه و پاسخ دادن به سؤالات، از هر گروه ۱۰ نفر و مجموعاً ۸۰ نفر به گویه‌های طراحی شده پاسخ دادند. برای هر واژه چندین بافت در نظر گرفته می‌شد و از افراد خواسته می‌شد تا واژه مورد نظر (بومی یا معادل فارسی آن) را در آنجا انتخاب نمایند. سپس داده‌های به‌دست آمده بر اساس متغیرهای پژوهش کدگذاری شدند و با استفاده از نرم‌افزار آماری (SPSS) نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آنالیز واریانس سه عاملی مورد استفاده قرار گرفت تا رابطه بین متغیر وابسته پژوهش (انتخاب واژه کردی یا معادل فارسی آن) با متغیرهای مستقل پژوهش یعنی سن، جنسیت و سطح تحصیلات مشخص گردد. برخلاف پیش‌بینی نظریه سلسله‌مراتب (میوسکن، ۱۹۸۷)، نتایج نشان داد که میزان استفاده از اصطلاحات بومی بسیار زیاد است. گروه‌های مختلف از ۵۴٫۵٪ تا ۱۰۰٪ از اصطلاحات خویشاوندی بومی استفاده نمودند. از طرفی، چون اصطلاحات خویشاوندی انتخاب‌شده در پرسشنامه دارای خلاء در کردی کلهری نبودند، لذا میزان بالای استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی منطبق با نظریه خلاء واژگانی (ماتراس، ۲۰۰۹) است. در ارتباط با تفاوت‌های به‌دست آمده در گروه‌ها، آزمون تحلیل واریانس سه عاملی نشان داد که دو عامل تحصیلات و سن نقش معنی‌داری در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی (معادل فارسی آنها) دارند، درحالی‌که عامل جنسیت از لحاظ آماری نقش معنی‌داری ایفا نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی: اصطلاحات خویشاوندی، وام‌گیری، خلاء واژگانی، کردی کلهری، تماس زبانی.

۱- مقدمه

در جوامعی که افراد آن درگیر دوزبانگی فعال^۱ باشند و با افراد زبان غالب به صورت آزادانه تعامل داشته باشند، شاهد وام‌گیری حجم بالایی از عناصر زبان غالب در زبان پذیرا خواهیم بود. علاوه بر دوزبانگی فعال و میزان تماس زبانی افراد زبان‌های درگیر، خلاء زبانی^۲ در زبان پذیرا، عامل تأثیرگذار دیگر در میزان و حجم وام‌گیری خواهد بود. اگر زبانی در حوزه‌ای دارای خلاء باشد، طبیعتاً زود پر می‌شود. در مورد مقولات نقشی به‌واسطه اینکه مجموعه‌های بسته^۳ هستند و هر زبان آنها را دارد، لذا وام‌گیری در آنجا به‌سختی رخ می‌دهد یا اصلاً وجود ندارد، لیکن در مورد مقولات محتوایی مانند اسم با مجموعه‌ای باز^۴ مواجه هستیم که بسیار پویا است و هر لحظه ممکن است عضوی به آن افزوده شود، طبیعی است که وام‌گیری در اینجا ساده‌تر صورت می‌پذیرد، اما اگر در زبان زیرین واژه بومی داشته باشیم، باز امکان وام‌گیری کمتر می‌شود.^(۱) در مورد افعال، عبارات ربطی، ضمائر، صفات و قیدها میزان وام‌گیری کمتر است، زیرا که فراوانی این مقولات به اندازه اسم نیست (ماتراس، ۲۰۰۹). بر این اساس، برخی محققان به سلسله‌مراتب وام‌گیری معتقد هستند که اسم در بالا و مقولات نقشی مانند ضمائر در پایین این سلسله‌مراتب قرار دارند (میوسکن، ۱۹۸۷). در قسمت‌های بعدی مبانی نظری پژوهش بیشتر توضیح داده می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی و وام‌واژه‌های معادل آنها در کردی کلهری صورت می‌پذیرد.^(۲) همان‌گونه که مطرح شد میزان وام‌گیری در زبان‌های زیرین در مقوله اسم بالا هست. لیکن در برخی حوزه‌های معنایی مانند اصطلاحات خویشاوندی به دلیل پایه‌ای بودن واژگان این حوزه پیش‌بینی می‌شود نسبتاً کم باشد، البته به شرطی که در کردی کلهری اصطلاح بومی موجود باشد. از لحاظ روش تحقیق، این پژوهش کمی و توصیفی است. ماتراس (۲۰۰۹)، میوسکن (۱۹۸۱ و ۱۹۸۷) و تریفرز دالر (۲۰۱۰) به عنوان چارچوب اصلی مورد استناد قرار گرفته‌اند. برای تحقق هدف پژوهش حاضر فهرستی از تمام اصطلاحات خویشاوندی تهیه شد و پس از اطمینان از اعتبار فهرست واژه‌های انتخاب‌شده، پژوهشگران خود داده‌ها را از طریق مصاحبه جمع‌آوری نمودند.

-
1. active bilingualism
 2. lexical gap
 3. closed set
 4. open set

این فرایند به وسیله مصاحبه از افراد انجام پذیرفت. چون در بین افراد یکدستی و همگونی وجود ندارد، لذا آنها بر اساس متغیرهای سن، جنسیت و تحصیلات طبقه‌بندی شدند تا میزان استفاده از کلمات بومی و قرضی در هر گروه مشخص شود. بر اساس سه متغیر فوق، افراد شرکت‌کننده به هشت گروه تقسیم شدند: مردان/ زنان باسواد جوان، مردان/ زنان باسواد مسن، مردان/ زنان بی‌سواد جوان و مردان/ زنان بی‌سواد مسن. افراد شرکت‌کننده باسواد در این پژوهش همگی دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و افراد موسوم به بی‌سواد کسانی هستند که سواد خواندن و نوشتن ندارند، اما قادر هستند فارسی را به صورت روان تکلم نمایند. افراد جوان شرکت‌کننده در پژوهش بین محدوده سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند و افراد مسن شرکت‌کننده بین ۵۰ تا ۷۰ هستند. برای شرکت در مصاحبه و پاسخ دادن به سؤالات، از هر گروه ۱۰ نفر و مجموعاً ۸۰ نفر به گویه‌های طراحی شده پاسخ دادند. افراد پاسخ‌دهنده از شهرستان ایوان در استان ایلام انتخاب شده‌اند و همگی به کردی کلهری (به‌عنوان زبان مادری) تکلم می‌کنند و در عین حال این افراد کاملاً به زبان فارسی تسلط دارند. به‌صورت روزمره، هر کدام از این افراد فارسی و کردی را به‌صورت تکمیلی در موقعیت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌دهند و لذا دوزبانه فعال محسوب می‌شوند. روش کار به این ترتیب بود که برای هر واژه چندین بافت در نظر گرفته می‌شد و از افراد خواسته می‌شد تا واژه مورد نظر (بومی یا معادل فارسی آن) را در آنجا انتخاب نمایند. گاهی مشاهده می‌شد که یک گویشور در برخی موقعیت‌ها از واژه کردی و در برخی موقعیت‌های دیگر از وام‌واژه فارسی معادل آن بهره می‌برد. در چنین مواقعی، فراوانی واژه مورد استفاده از جانب فرد تعیین‌کننده حالت غالب قلمداد می‌شد. از طرف دیگر، سعی می‌شد که انتخاب (از بین کلمه کردی یا فارسی) در حالت بی‌نشان و عادی مبنای پژوهش حاضر قرار بگیرد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار آماری اسپ‌اس‌اس (نسخه ۲۳)، داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. آنالیز واریانس سه عاملی مورد استفاده قرار گرفت تا رابطه بین متغیر وابسته پژوهش (انتخاب واژه کردی یا معادل فارسی آن) با متغیرهای مستقل پژوهش یعنی سن، جنسیت و سطح تحصیلات مشخص گردد.

۲- پیشینه

اصطلاحات خویشاوندی همواره مورد توجه زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان بوده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها از اصطلاحات خویشاوندی که از دیدگاهی

مردم‌شناسانه به موضوع اصطلاحات خویشاوندی پرداخته است، مورگان (۱۸۷۱) بوده است. در این رویکرد رده‌شناختی، او زبان‌ها را به شش گروه تقسیم می‌نماید. در الگوی نخست موسوم به الگوی سودانی برای هر رابطه خویشاوندی یک واژه مستقل به کار می‌رود. در الگوی دوم موسوم به الگوی هاوایی، توصیف‌ها و تمایزات کمتری از روابط خویشاوندی به عمل آمده است. دو عامل جنسیت و نسل در شکل‌گیری تمایزات مهم هستند. در الگوی سوم موسوم به اسکیموئی، بیشتر روابط خویشاوندی توصیف شده‌اند، اگرچه بین خویشاوندان پدری و مادری تمایزی دیده نمی‌شود. در فرزندان عمو، دایی، خاله و عمه از لحاظ جنسیت تمایز دیده نمی‌شود. الگوی چهارم که کمی عجیب است تمایزات و توصیفات کمی دیده می‌شود. در این الگو موسوم به ایروکوایی^۱ حتی برای پدر و عمو از یک طرف و مادر و خاله از طرف دیگر واژه‌های یکسانی به کار برده می‌شوند؛ بنابراین، پسر/دختر عمو یا پسر/دخترخاله همه با واژه‌های خواهر/برادر مورد اشاره قرار می‌گیرند. در الگوی اوماها^۲ (الگوی پنجم)، برای پدر، عمو و برادر دسته‌بندی یکسانی وجود دارد. لیکن، برای اشاره به فرزندان عمو، عمه، خاله و دایی واژه‌های مجزا مورد استفاده قرار می‌گیرند. خویشان موازی برادر و خواهر محسوب می‌شوند، لیکن در مورد خویشان متقاطع تفاوت دیده می‌شود. دایی و پسردایی با یک واژه توصیف می‌شوند و همچنین، دختر دایی و زن دایی نیز با واژه‌ای مشابه مورد اشاره قرار می‌گیرند. در شکل‌گیری اصطلاحات خویشاوندی در این نظام، بر روی عامل دودمان پدری تأکید وجود دارد. در مقابل، الگوی کراو بر روی دودمان مادری تأکید دارد. در این نظام، همه اعضا مذکر گروه خویشاوندی پدر تحت یک اصطلاح و اعضا مؤنث همین گروه تحت اصطلاح دیگر توصیف می‌شوند، درحالی‌که تفاوت نسل‌های مختلف نادیده گرفته می‌شود. منصوری و رحمانی (۱۳۹۴) نظام واژه‌های خویشاوندی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را بر اساس الگوهای شش‌گانه مورگان (۱۸۷۱) مورد کندوکاو قرار دادند. در این پژوهش، آنها اصطلاحات خویشاوندی را در بیش از پنجاه گویش از سراسر ایران مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که در گویش‌های ایرانی، تقریباً از الگوی کم‌ویش یکسانی استفاده می‌گردد. از لحاظ صرفی، خویشاوندان درجه اول به‌وسیله واژگان ساده و روابط دورتر به‌وسیله واژه‌های ترکیبی مورد اشاره قرار می‌گیرند. همچنین، مقایسه نتایج با الگوهای شش‌گانه مورگان (۱۸۷۱) نشان داد که الگوهای ارائه

1. Iroquoian

2. Omaha

شده به‌وسیله مورگان جامعیت نداشته و نمی‌تواند تمام تنوعات زبان‌ها مختلف از جمله زبان‌های ایرانی را شامل شود. نتایج این پژوهش نشان داد بین نظام روابط خویشاوندی در زبان‌های ایرانی و الگوهای معرفی‌شده به‌وسیله مورگان انطباق دیده نمی‌شود.

استاجی (۱۳۹۴) اصطلاحات خویشاوندی را در زبان فارسی از منظری تاریخی و رده‌شناختی مورد بررسی قرار داد. نتایج به دست آمده از انطباق نظام اصطلاحات خویشاوندی زبان فارسی با همگانی‌های گرینبرگ حکایت دارد. همچنین، او نتیجه گرفته است که اصطلاحات مربوط به بیان روابط هسته‌ای مانند پدر، مادر، خواهر، برادر و غیره برگرفته از دوره باستان هستند. لیکن، اصطلاحاتی مانند عمه، خاله، عمو و دایی از عربی و ترکی وام‌گیری شده‌اند. او بین ورود این واژه‌ها (که دارای تمایز بین جنس هستند) با حذف مقوله جنس در دوره میانه ارتباط قائل است. حذف مقوله تصریفی جنس در دوره میانه باعث شده است تا در زبان فارسی این مفهوم با ابزاری غیر از تصریف نشان داده شود. او نتیجه می‌گیرد به علت اهمیت تمایز جنس، فارس‌زبانان به ابزارهای جانشین مانند وام‌گیری واژگانی روی آورده‌اند تا فقدان شیوه بیان تصریفی جبران شود. حیدری (۱۳۹۹) در پژوهشی سلسله‌مراتب فرض‌گیری زبان ترکی آذربایجانی را از زبان فارسی مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که گویشوران زبان ترکی علاوه بر الگوهای زبان خود، با فرض‌گیری تکواژهای دستوری از الگوهای جملات مرکب زبان فارسی نیز استفاده می‌کنند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه گروه‌های اضافه و ملکی فارسی در ترکی آزادانه بکار می‌روند، لیکن هنوز به صورت یک وام‌الگو وارد این زبان نشده‌اند. نهایتاً، نتایج نشان می‌دهد که تماس زبانی فارسی و ترکی منجر به استفاده و تثبیت الگوی پیوند بندهای جملات مرکب ناهمپایه زبان فارسی در ترکی شده است، هرچند وام‌گیری الگویی هنوز رخ نداده است. عباسی و کزازی (۱۳۹۲) بر اساس چارچوب کلاسیک موردادک (۱۳۴۹) واژگان و اصطلاحات خویشاوندی را در کردی هورامی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که از مجموع ۶۳ اصطلاح مورد استفاده جهت بیان روابط خویشاوندی در کردی هورامی، ۲۷ اصطلاح نسبی، ۱۸ اصطلاح سببی، ۹ اصطلاح ناتنی و ۹ اصطلاح خویشاوندی جمعی بوده‌اند. در پژوهشی مشابه، نقشبندی و همکاران (۱۳۹۵) نظام اصطلاحات خویشاوندی سببی و نسبی را در کردی کلهری بر اساس چارچوب نظری مرداک مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که در کردی کلهری ایوانی از ۲۷ اصطلاح برای بیان

روابط خویشاوندی نسبی و از ۲۲ اصطلاح برای بیان روابط خویشاوندی سببی بهره گرفته می‌شود. همچنین از لحاظ صرفی، در این‌گونه زبانی از هیجده اصطلاح خویشاوندی بنیادین، نوزده اصطلاح اشتقاقی و دوازده اصطلاح توصیفی استفاده شده است. آنها بر روی تصویر گونگی به عنوان انگیزش غالب در صورت‌بندی اصطلاحات مرتبط به بیان روابط خویشاوندی تأکید دارند. در یک پژوهش دیگر، گوهری و جمالی (۱۳۹۹) میزان وام‌گیری در مقولات واژگانی اصلی شامل اسم، فعل، قید و صفت بر اساس رویکرد سلسله‌مراتب وام‌گیری در کردی کلهری (گونه ایوانی) مورد بررسی قرار دادند تا مشخص شود در کدام مقوله گویشوران کردی کلهری بیشتر از واژه‌های بومی یا وام‌واژه فارسی استفاده می‌کنند نتایج نشان داد که در همه مقولات بررسی شده، میزان استفاده از واژه‌های بومی بسیار بیشتر از وام‌واژه‌های معادل فارسی است. همچنین، بین میزان وام‌گیری از مقولات بررسی شده، تفاوت آشکاری دیده نمی‌شود، در حالی که، در همه رویکردهای سلسله‌مراتب وام‌گیری (تریفرز دالر، ۲۰۱۰؛ میوسکن، ۱۹۸۸؛ توماسن و کافمن ۱۹۸۸)، مقوله نحوی اسم قابلیت بالاتری برای وام‌گیری نشان می‌دهد. بر این اساس، گوهری و جمالی نتیجه می‌گیرند که دلایل دیگری به غیر از جایگاه سلسله‌مراتبی واژه‌ها (مانند خلاء واژگانی) در وام‌گیری دخیل هستند. همچنانکه مشاهده می‌شود، بیشتر پژوهش‌های فوق (منصوری و رحمانی، ۱۳۹۴؛ استاجی، ۱۳۹۴؛ عباسی و کزازی؛ نقشبندی و همکاران ۱۳۹۵)، اصطلاحات خویشاوندی را در برخی زبان‌های ایرانی یا زبان کردی مورد توصیف قرار داده و سعی نموده‌اند تا آنها را بر اساس نظام‌هایی مانند مورگان (۱۸۷۱) و مورداک (۱۳۴۹) طبقه‌بندی نمایند. همچنین در برخی پژوهش‌های فوق نیز موضوع تماس زبانی و وام‌گیری را نیز مورد بررسی قرار است (گوهری و جمالی، ۱۳۹۹؛ حیدری، ۱۳۹۹). در مورد گروه اول باید گفت که آنها موضوع اصطلاحات خویشاوندی را به صورت توصیفی و فارغ از موضوع تماس زبانی و وام‌گیری مورد بررسی قرار داده‌اند و گروه دوم نیز موضوع تماس زبانی و وام‌گیری در برخی الگوها و مقولات زبانی غیر از اصطلاحات خویشاوندی را مورد بررسی قرار داده‌اند، لذا پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلاء انجام می‌پذیرد.

۳- مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

محققان مختلف از اصطلاحات متفاوتی برای تعریف وام‌گیری بهره می‌برند، لذا همانند بسیاری از مسائل و مفاهیم بنیادی، در مورد تعریف وام‌گیری نیز در بین محققان اجماع

وجود ندارد. توماسن و کافمن^۱ (۱۹۸۸: ۳۷) وام‌گیری را انضمام برخی اقلام و مؤلفه‌های زبان خارجی در زبان بومی به‌وسیله گویشوران زبان می‌دانند که اگرچه زبان بومی حفظ می‌شود، لیکن با انضمام مؤلفه‌های جدید تغییر نموده است. به عقیده این دو، واژه‌ها اولین عناصری هستند که وام گرفته می‌شوند. اگر دوزبانگی در جامعه‌ای گسترده باشد و همچنین شاهد فشار فرهنگی بلندمدت زبان غالب باشیم، ممکن است ویژگی‌های ساختاری شامل واجی، نحوی و تصریفی زبان مسلط نیز وارد زبان زیرین شوند. اگرچه آنها معتقد هستند که تمام ویژگی‌های زبانی قابلیت وام‌گیری دارند، لیکن در عمل احتمال وام‌گیری عناصر زبانی برابر نیست؛ به عبارت دیگر، برخی عناصر سهل‌تر و برخی دشوارتر از زبانی وارد زبان دیگر می‌شوند. بر این اساس، آنها قائل به نوعی سلسله‌مراتب در وام‌گیری هستند که در ادامه به آن اشاره می‌شود. مطالعه هم‌زمانی پدیده وام‌گیری به طور عمده در قرن بیستم آغاز شد. مطالعات اولیه غالباً بر روی ارائه فهرستی از اقلام وارداتی در زبان‌ها متمرکز بودند و می‌کوشیدند تاریخچه مختصری از وام‌گیری هر کدام از واژه‌ها را ارائه نمایند (سالوردا گرایو^۲، ۱۹۰۶). در این پژوهش‌ها، غالباً تمرکز بر روی یک جفت از زبان‌ها بود که در آنها اغلب شاهد وام‌گیری یک‌طرفه از زبان غالب^۳ هستیم (تریفرز دالر^۴، ۲۰۱۰). در این مطالعات اولیه، موضوع همسانی یا یکپارچه‌سازی تلفظی وام‌واژه‌ها بر اساس قواعد زبان پذیرا گاهی مطرح می‌شد، لیکن یکپارچگی صرفی و نحوی این اقلام وارداتی هنوز مطرح نبود (همان). همچنانکه اشاره شد، در ارتباط با میزان و حجم وام‌گیری از زبان غالب، میزان تماس زبانی بسیار مهم است، به همین دلیل در اینجا به اهمیت موضوع تماس زبانی در بین محققان می‌پردازیم. بلومفیلد (۱۹۳۳)، هاوگن^۵ (۱۹۵۰) و واینرایش (۱۹۵۳) را می‌توان بنیان‌گذاران موضوع تماس زبانی^۶ قلمداد نمود (تریفرز دالر، ۲۰۱۰). در تماس بین دو زبان، ممکن است هم شاهد ورود واژگان (ماده زبانی^۷) یا ورود برخی عناصر ساختاری و دستوری (الگوی زبانی^۸) زبان غالب در زبان پذیرا باشیم (ماتراس، ۲۰۰۹). در ابتدا، تمرکز مطالعات به طور

-
1. Thomason and Kaufman
 2. Salverda de Grave
 3. dominant
 4. Treffers-Daller
 5. Haugen
 6. language contact
 7. linguistic matter
 8. linguistic pattern

طبیعی بر روی وام‌گیری واژگانی بود، زیرا که این پدیده هم فراوان رخ می‌دهد و هم برای مردم قابل لمس است. لیکن، این پژوهشگران موضوع وام‌گیری عناصر ساختاری زبان را نیز مطرح کردند، هرچند اذعان داشتند که واژگان زبان‌ها نسبت به عناصر دستوری و واجی به مراتب بیشتر در معرض وام‌گیری هستند (ماتراس، ۲۰۰۹). متأثر از این پژوهشگران، مطالعات بعدی بجای تمرکز بر روی نتیجه وام‌گیری بر روی فرایند وام‌گیری و اصول آن تغییر کرد. برخی به دنبال کشف قواعد دستوری بودند که وام‌گیری واژگانی را محدود سازد و برخی دیگر مانند مورائوسیک^۱ (۱۹۷۸) می‌کوشیدند جهانی‌های وام‌گیری را با استفاده از مقیاس‌های تلویحی استخراج نمایند (تریفرز دالر، ۲۰۱۰). پژوهشگرانی مانند میوسکن^۲ (۱۹۸۱) بر اساس میزان قابلیت وام‌گیری عناصر زبانی سعی نمود تا سلسله‌مراتب وام‌گیری^۳ ارائه نماید که در آن میزان سهولت یا دشواری وام‌گیری عناصر زبانی مختلف مشخص باشد.

بر این اساس، در اواخر دهه هشتاد، افرادی مانند پاپلاک^۴، سنکوف و میلر^۵ (۱۹۸۸) با انجام مطالعات کمی بر پایه پیکره‌های زبانی گسترده کوشیدند تا به صورت تجربی صحت سلسله‌مراتب‌ها و جهانی‌های تلویحی پیش از خود را به چالش بکشند. آنها همچنین وام‌گیری اقلام مختلف زبانی را در گروه‌های مختلف اجتماعی مورد کند کاو قرار دادند. اثر مهم توماسن و کافمن (۱۹۸۸) را می‌توان نقطه عطفی در موضوع تماس زبانی قلمداد نمود. در این پژوهش، ما شاهد ارائه یک چارچوب و تحلیل جامع از پدیده‌های مختلف مانند تماس زبانی، وام‌گیری، تداخل، تغییر رمز، زبان‌های پیچین، کریول و آمیخته^۶ هستیم. این دو اولین کسانی هستند که بر نقش عوامل بیرونی مانند تماس زبانی در تغییر زبانی تأکید کردند و در تحلیل‌های خود شواهد بی‌شماری از تغییرات زبانی ناشی از تماس زبانی ارائه نمودند. مطالعات متأخرتر بر روی جنبه‌های کاربردی و روانی وام‌گیری متمرکز شده‌اند. در پژوهش حاضر، اصطلاحات خویشاوندی مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا معلوم شود به چه میزان استفاده از آنها متأثر از زبان غالب (فارسی) است. بر اساس آنچه در ادامه خواهد آمد، اصطلاحات خویشاوندی جزء مفاهیم

-
1. Moravcsik
 2. Muysken
 3. borrowing hierarchy
 4. Poplack
 5. Sankoff and Miller
 6. mixed

پایه و بنیادی در زبان محسوب می‌شوند. محققان بر این باور هستند که در همه زبان‌ها، واژگان پایه در برابر وام‌گیری بسیار مقاوم هستند (سوادش^۱، ۱۹۵۲؛ ماتراس، ۲۰۰۹). البته جهت اثبات تجربی این موضوع نیاز هست که با انجام مطالعات پیکره-محور اعتبار گفته فوق را سنجید. علاوه بر این، میزان تعامل و درگیری زبان غالب با زبان پذیرا و ماهیت ارتباط بین این دو نیز عاملی است که بر میزان وام‌گیری می‌تواند تأثیرگذار باشد. با هدف بررسی میزان مقاومت واژگان پایه، موریس سوادش^۲ (۱۹۵۲) یک فهرست ۲۰۷ واژه‌ای از اقلام زبانی پایه ارائه نمود که از آن موقع تاکنون به صورت گسترده به‌وسیله محققان مورد استفاده قرار می‌گیرد. موضوع مهم در انتخاب گویه‌های این فهرست واژگانی این هست که برخی مفاهیم عام هستند و به اشیاء و عقایدی دلالت می‌کنند که ارتباطی به محیط پیرامونی افراد ندارند (ماتراس، ۲۰۰۹: ۱۶۶). اسامی مربوط به اعضاء و اندام‌های بدن، اصطلاحات خویشاوندی، اصطلاحات مربوط به فعالیت-های بدنی، ضمائر و ... همگی می‌توانند بخشی از این واژه‌های عام و پایه محسوب شوند که صرف‌نظر از محیط پیرامون افراد، ما با آنها سروکار داریم. از آنجائی که این مفاهیم و واژه‌های مرتبط به آنها در همه جوامع بشری موجود هستند، لذا زبان بومی این واژگان پایه را دارند و نیازی به گرفتن وام‌واژه از زبان‌های پیرامون نیست (ماتراس، ۲۰۰۹: ۱۶۶).

نظر فوق به‌طرف نظریه خلاء سوگیری دارد. همان‌گونه که اشاره شد، وام‌گیری در زبان‌ها غالباً به خاطر پر کردن خلاء در زبان پذیرا رخ می‌دهد، البته گاهی ملاحظات اجتماعی نیز دخیل هستند؛ یعنی با وجود نداشتن خلاء، هنوز هم ممکن است افرادی بنا بر برخی ملاحظات اجتماعی اقدام به استفاده از وام‌واژه معادل واژه بومی کنند. از مجموع ۲۰۷ واژه پایه که سوادش (۱۹۵۲) در فهرست خود گنجانده بود، در زبان انگلیسی در ۱۳ درصد از موارد، از وام‌واژه استفاده می‌شود؛ اقلام وارداتی به انگلیسی عمدتاً از زبان‌های اسکاندیناوی و زبان فرانسه هستند (مینت و وانگ^۳، ۲۰۰۳). زبان دومری^(۳) چیزی بین ۴۳ تا ۴۷ درصد از واژگان پایه خود را از زبان عربی گرفته است که زبان غالب برای زبان دوماری محسوب می‌شود. با توجه به کوتاه بودن فهرست سوادش، اعتبار و ثبات آن در مقولات واژگانی و حوزه‌های معنایی مختلف دشوار خواهد

-
1. Swadesh
 2. Morris Swadesh
 3. Minett and Wang

بود؛ به عبارت دیگر، نتایج حاصل در ارتباط با میزان وام‌گیری در مقولاتی مانند اسم و فعل ممکن است خیلی متغیر باشد. علاوه بر این، در حوزه‌های معنایی مختلف نیز ممکن است شاهد نوسانات زیادی در میزان وام‌گیری باشیم. استولز^۱ (۲۰۰۳: ۲۸۹-۲۹۱) بر پایه یک فهرست ۲۰۳ واژه‌ای گزارش می‌دهد که بین ۲۶-۳۹ درصد واژه‌های پایه در زبان چامورو^۲ و واژه‌های زبان غالب اسپانیولی هستند. او همچنین گزارش می‌دهد که ۲۷ درصد از واژگان پایه زبان مالتی را واژه‌های زبان غالب ایتالیایی تشکیل می‌دهد. در مقابل، ماتراس (۲۰۰۹: ۱۶۷) بر اساس یک فهرست جدید از بورگ و آزوپاردی الکساندر^۳ (۱۹۹۷) گزارش می‌دهند که فقط بین ۵-۸ درصد از واژه‌های پایه زبان مالتی و واژه‌های ایتالیایی هستند. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که نتایج پژوهش‌های انجام‌شده می‌تواند متأثر از روش تحقیق و نوع پرسشنامه (فهرست) متغیر باشد. با این حال، در تقریباً تمام فهرست‌های ارائه‌شده به‌وسیله محققان مختلف، مقوله اسم به نسبت دیگر مقولات در زبان‌های پذیرا همیشه بیشتر با وام‌واژه زبان غالب جایگزین می‌شود. هکینگ و باکر^۴ (۲۰۰۷: ۴۴۴) در مطالعه‌ای نشان می‌دهند که در سه زبان اتومی^۵، کوچوا^۶ و گورانی^۷ که همگی متأثر از زبان غالب اسپانیولی هستند، اسامی اسپانیولی نسبت به فعل، صفت و قید به مراتب بیشتر وام گرفته شده‌اند. در پژوهشی مشابه، فیلد (۲۰۰۲: ۱۵۳) واژه‌هایی را که از اسپانیولی وارد زبان ناهوتل^۸ شده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در یک مطالعه پیکره-بنیاد مشخص می‌شود که ۵۵۲ اسم، ۸۰ فعل، ۷۵ صفت و ۴۵ قید از زبان اسپانیولی وارد زبان ناهوتل شده‌اند. از لحاظ موضوعی، اسامی وارداتی عمدتاً اسم مؤسسات و سازمان‌ها و همچنین اسامی انتزاعی مربوط به مفاهیم حقوقی، فرهنگی و مذهبی بوده‌اند. تعداد نسبتاً کمی از این اسم‌ها هم مربوط به اسم حیوانات، جانداران و همچنین روابط خویشاوندی بوده‌اند. اسم‌های مربوط به صنایع دستی و اشیاء پیرامونی درصد بسیار کمی از اسم‌های وارداتی را تشکیل می‌دهند.

-
1. Stolz
 2. Chamorro
 3. Borg and Azzopardi-Alexander
 4. Hekking and Bakker
 5. Otomi
 6. Quechua
 7. Guarani
 8. Nahautl

۴- تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

اصطلاحات و کلمات بیان روابط خویشاوندی در همه زبان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار هستند و اساس جزء واژه‌های بنیادین و هسته‌ای زبان محسوب می‌شوند. برخی از این اصطلاحات که در کردی کلهری مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

«میمگ (miməg) (خاله / عمه)؛ خالو (xalu) (دائی)؛ ممو (mæmu) (عمو)؛ عاموزا (amuza) (پسر / دختر عمو)؛ میمزا (miməza) (پسر / دخترخاله / عمه)؛ خوارزا (xwarza) (خواهرزاده)؛ برارزا (bərarza) (برادرزاده)؛ خسیوره (xəsüræ) (خانواده همسر)؛ منال (mənal) (بچه)؛ باوگ (bawg) (پدر)؛ دالگ (daləg) (مادر)؛ کور (kwər) (پسر)؛ دیوت (d̄wæt) (دختر)؛ براژن (bərazhən) (زن داداش)؛ خویشک (xweishk) (خواهر)؛ برا (bəra) (برادر)؛ شیو (shü) (شوهر)؛ ژن (zhən) (زن)؛ باپیر (bapir) (پدر بزرگ) و ننگ (nənəg) (مادر بزرگ)».

در کردی کلهری، گویشوران علاوه بر این اصطلاحات، گاهی از اصطلاحات خویشاوندی فارسی نیز استفاده می‌کنند. همان‌گونه که اشاره شد (مقدمه)، هدف پژوهش حاضر بررسی میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی و معادل‌های فارسی آنها در کردی کلهری هست. جهت تبیین تنوعات، سه عامل جنسیت، تحصیلات و سن مورد تأکید قرار گرفته‌اند. جدول (۱) آمار توصیفی مرتبط با میزان استفاده از اسامی بیانگر روابط خویشاوندی در گروه‌های هشت‌گانه را ارائه نموده است.

(۱) میانگین و انحراف معیار عملکرد افراد در میزان استفاده از «اصطلاحات خویشاوندی بومی» در کردی کلهری

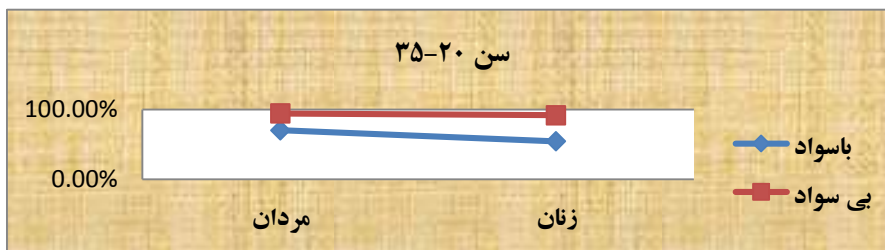
جنسیت	تحصیلات	سن	تعداد	میانگین (درصد) (اسامی خویشاوندی بومی)	انحراف معیار
مردان	باسواد	۲۰-۳۰	۱۰	70.5000	12.12206
		۵۰-۷۰	۱۰	86.5000	13.34375
		مجموع	۲۰	78.5000	14.87669
	بی‌سواد	۲۰-۳۵	۱۰	94.5000	10.91635
		۵۰-۷۰	۱۰	100.0000	.00000
		مجموع	۲۰	97.2500	8.02545
زنان	باسواد	۲۰-۳۵	۱۰	54.5000	10.65885
		۵۰-۷۰	۱۰	86.5000	14.91643
		مجموع	۲۰	70.5000	20.70469
	بی‌سواد	۲۰-۳۵	۱۰	92.0000	12.06464
		۵۰-۷۰	۱۰	99.5000	1.58114
		مجموع	۲۰	95.7500	9.21598

جدول (۱) نشان می‌دهد که مردان باسواد جوان و مسن به ترتیب به میزان ۷۰,۵٪ و ۸۶,۵٪ از عبارات و اصطلاحات خویشاوندی کردی استفاده کرده‌اند تا روابط خانوادگی را بیان نمایند. در مردان بی‌سواد، این میزان بیشتر بوده است. مردان بی‌سواد جوان به طور متوسط در ۹۴,۵٪ و مردان بی‌سواد مسن در ۱۰۰٪ از موارد از اصطلاحات خویشاوندی کردی بهره گرفته‌اند. در زنان نیز شاهد بروز الگویی تقریباً مشابه هستیم. زنان باسواد جوان کمترین (۵۴,۵٪) و زنان بی‌سواد مسن بیشترین (۹۹,۵٪) میزان استفاده از اصطلاحات بومی خویشاوندی را به خود اختصاص داده‌اند.

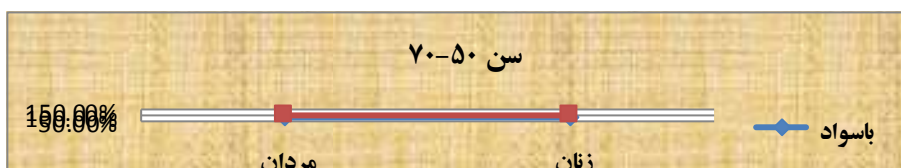
معنی‌داری	فراوانی	توان مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منابع تغییرات
.000	21.144	2453.571	7	17175.000 ^a	مدل اصلاح‌شده
.000	5039.741	584820.000	1	584820.000	عرض از مبدأ
.052	3.889	451.250	1	451.250	جنسیت
.000	83.418	9680.000	1	9680.000	تحصیلات
.000	40.083	4651.250	1	4651.250	سن
.181	1.820	211.250	1	211.250	جنسیت و تحصیلات
.066	3.490	405.000	1	405.000	جنسیت و سن
.001	13.196	1531.250	1	1531.250	تحصیلات و سن
.151	2.111	245.000	1	245.000	جنسیت، تحصیلات و سن
		116.042	72	8355.000	خطا
			80	610350.000	مجموع
			79	25530.000	مجموع اصلاح‌شده

a ضریب تعیین: ۶۷۳. (ضریب تعیین اصلاح‌شده: ۶۴۱)

جدول (۲) آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌عاملی را نشان می‌دهد که وضعیت سه متغیر جنسیت، سن و تحصیلات را در ارتباط با به‌کارگیری اصطلاحات خویشاوندی بومی به‌وسیله افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. در ادامه آمار این جدول مورد استناد قرار خواهد گرفت. برای روشن شدن رابطه بین سن، سواد و جنسیت، نمودارهای زیر ارائه شده‌اند. دو نمودار (۱) و (۲) تأثیر عامل جنسیت (و تحصیلات) را در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی (وام‌واژه‌های معادل فارسی آنها) را در کردی کلهری به ترتیب در سنین بین ۲۰-۳۵ و ۵۰-۷۰ سال را به تصویر کشیده است



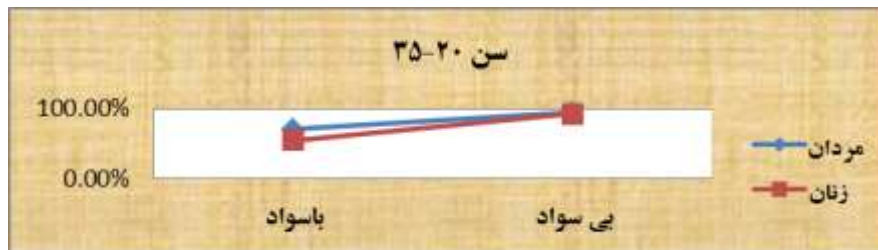
نمودار (۱) مقایسه عملکرد مردان و زنان (باسواد/ بی‌سواد) جوان در میزان استفاده از اسم (اصطلاحات خویشاوندی) کردی



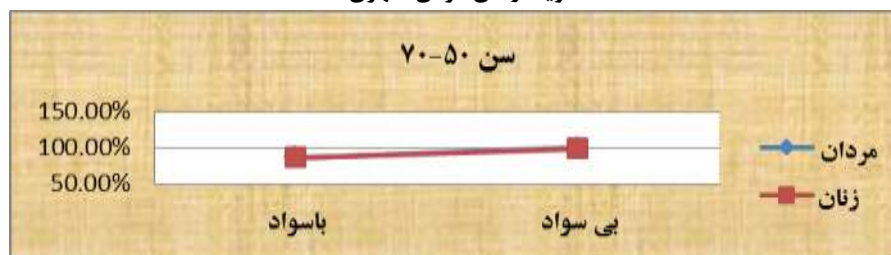
نمودار (۲) مقایسه عملکرد مردان و زنان (باسواد/ بی‌سواد) مسن در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی

در هر دو نمودار مشاهده می‌شود که خطوط قرمز (افراد بی‌سواد) از میزان بالاتری از اصطلاحات و عبارت خویشاوندی کردی استفاده کرده‌اند. نمودار (۱) نشان می‌دهد که زنان باسواد جوان نسبت به مردان باسواد جوان از میزان کمتری از اصطلاحات کردی جهت بیان روابط خانوادگی استفاده نموده‌اند، در حالی که بین مردان و زنان بی‌سواد جوان تفاوت خاصی مشاهده نمی‌شود. به همین ترتیب، در نمودار (۲) مشاهده می‌شود که عامل جنسیت نقش مهمی در تنوعات ندارد و تقریباً زنان و مردان مسن دارای عملکرد مشابهی هستند. افقی بودن خطوط قرمز و آبی در این نمودار نشان می‌دهد که عملاً جنسیت منجر به به‌کارگیری اصطلاحات خویشاوندی متفاوتی در مردان و زنان بی‌سواد مسن (خط قرمز) و مردان و زنان باسواد مسن (خط آبی) نشده است، هرچند که در مردان و زنان باسواد جوان وضعیت اندکی متفاوت است (نمودار ۱). نمودار (۱) نشان می‌دهد که مردان باسواد جوان به نسبت زنان باسواد جوان از اصطلاحات خویشاوندی بومی بیشتری جهت اشاره به نسبت‌های فامیلی و خانوادگی بهره گرفته‌اند. لیکن، جدول (۲) نشان می‌دهد که به طور کلی، عامل جنسیت از لحاظ آماری منجر به تفاوت معنی‌داری در بین افراد گروه‌های مختلف از لحاظ به‌کارگیری اصطلاحات خویشاوندی نشده است ($P = .052$). برخلاف جنسیت، تحصیلات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتباط به به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری اصطلاحات خویشاوندی در گروه‌های هشت‌گانه مورد بررسی داشته باشد. دو نمودار (۳) و (۴) نقش تحصیلات را به

ترتیب در افراد جوان و مسن در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی در کردی کلهری نشان می‌دهد.



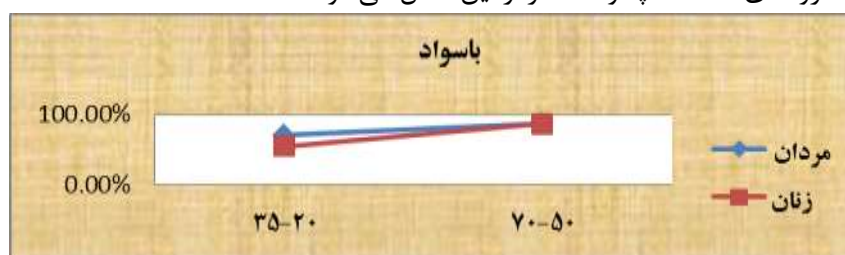
نمودار (۳) مقایسه عملکرد (مردان و زنان) باسواد/ بی‌سواد جوان در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی کلهری



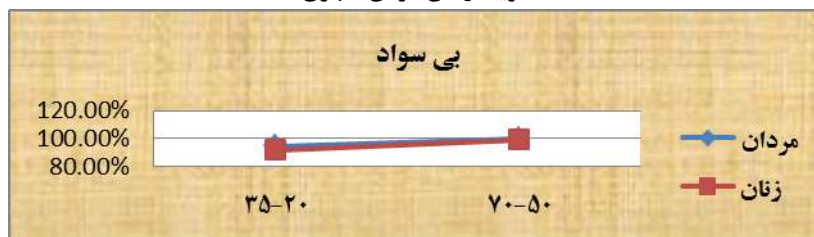
نمودار (۴) مقایسه عملکرد (مردان و زنان) باسواد/ بی‌سواد مسن در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی کلهری

این دو نمودار نشان می‌دهند که مردان نسبت به زنان هم در محدوده سنی ۲۰-۳۵ سال و هم در ۵۰-۷۰ سال از اصطلاحات بومی بیشتری جهت بیان روابط خانوادگی استفاده نموده‌اند، اگرچه این تفاوت در محدوده سنی ۵۰-۷۰ سال کمتر بوده است (نزدیک بودن خطوط در نمودار ۴ این موضوع را نشان می‌دهد). همچنین، نمودار (۳) نشان می‌دهد که زنان و مردان بی‌سواد جوان نسبت به هم‌تایان باسواد خود از میزان بیشتری از واژه‌های بومی برای بیان روابط خانوادگی استفاده می‌نمایند. این نمودار همچنین نشان می‌دهد که تنوعات مشاهده‌شده در بین زنان و مردان باسواد جوان نسبت به زنان و مردان بی‌سواد جوان بیشتر است. بررسی نمودار (۴) نیز نشان می‌دهد که در ارتباط با به‌کارگیری اصطلاحات خویشاوندی، زنان و مردان باسواد مسن تقریباً دارای رفتار زبانی مشابهی هستند. به همین ترتیب، زنان و مردان بی‌سواد مسن نیز تقریباً از همین الگو پیروی می‌کنند. برخلاف نمودارهای (۱) و (۲)، شیب نسبتاً تند خطوط در دو نمودار فوق از مهم بودن عامل تحصیلات حکایت می‌کند. جدول (۲) نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات از لحاظ آماری منجر به تفاوت‌های معنی‌داری در بین

افراد مختلف شده است ($P=0.000$). همچنین، تنوعات به دست آمده در ارتباط با استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی که حاصل تعامل دو متغیر تحصیلات و سن هستند از لحاظ آماری معنی‌دار محسوب می‌شوند ($P=0.001$). لیکن، هرگاه شاهد حضور عامل جنسیت هستیم، تفاوت‌ها و تنوعات افراد (در نحوه و میزان استفاده از اصطلاحات کردی یا معادل‌های فارسی آنها) از لحاظ آماری معنی‌دار قلمداد نمی‌شوند (جدول ۲). نمودارهای (۵) و (۶) نیز مشخصاً بر روی تأثیر عامل سن متمرکز هستند تا مشخص شود گروه‌های مختلف چگونه متأثر از این عامل می‌شوند.



نمودار (۵) مقایسه عملکرد (مردان و زنان) جوان و مسن باسواد در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی کلهری



نمودار (۶) مقایسه عملکرد (مردان و زنان) جوان و مسن بی‌سواد در میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی کلهری

یافته نخست در دو نمودار فوق این است که هم در افراد باسواد و هم در افراد بی‌سواد، مردان (خطوط آبی) نسبت به زنان از میزان بیشتری از واژه‌ها و اصطلاحات بومی زبان کردی بهره می‌گیرند تا روابط خانوادگی را بیان نمایند. نمودار (۵) نشان می‌دهد که زنان و مردان باسواد جوان نسبت به هم‌تایان مسن خود از اصطلاحات بومی کمتری بهره برده‌اند؛ به عبارت دیگر، در این گروه‌ها افراد مسن‌تر از اصطلاحات بومی بیشتری بهره گرفته‌اند تا روابط خویشاوندی را بیان نمایند. با این حال، نباید فراموش کرد، به طور کلی در همه گروه‌ها، میزان استفاده از اصطلاحات کردی بالاست. تنوعات حاصل را نیز می‌توان با توسل به عوامل تحصیلات و سن توجیه کرد به نظر می‌رسد که عامل جنسیت به اندازه این دو عامل در استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی مؤثر

نباشد. همانند نمودارهای (۳) و (۴)، در اینجا هم شیب نسبتاً تند خطوط (در ارتباط با متغیر سن) نشان می‌دهد که عامل سن نقش پررنگی در تنوعات ناشی از نحوه و میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی بازی می‌کند. مراجعه به جدول (۲) نشان می‌دهد که عامل سن افراد در استفاده از اصطلاحات خویشاوندی از لحاظ آماری معنی‌دار است ($P=0.000$). همچنین، این جدول نشان می‌دهد که تعامل جنسیت با سن و جنسیت با تحصیلات نیز منجر به تفاوتی معنی‌دار بین گروه‌های مختلف نشده است. لیکن، دو عامل سن و تحصیلات به‌تنهایی منجر به معنی‌دار شدن تفاوت‌ها شده است. همچنین، تعامل دو عامل سن و تحصیلات با همدیگر باعث شده است که تفاوت‌های مشاهده‌شده از لحاظ آماری معنی‌دار قلمداد شوند. نهایتاً، تعامل سه عامل سن، تحصیلات و جنسیت نیز از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. به عبارتی، هرگاه عامل جنسیت در تعاملات لحاظ شده است، شاهد تفاوت معنی‌داری در عملکردها نیستیم؛ بنابراین، یافته مهم پژوهش حاضر در ارتباط با به‌کارگیری اصطلاحات بومی یا فارسی به‌وسیله هشت گروه مقصد از اهمیت دو عامل سن و تحصیلات حکایت دارد. افراد هم سن و افراد با تحصیلات مشابه (فارغ از جنسیت) بیشتر به هم شباهت دارند.

۴. نتیجه و بحث

همان‌گونه که گفته شد، نتایج نشان داد که زنان باسواد جوان نسبت به مردان باسواد جوان از میزان کمتری از اصطلاحات کردی جهت بیان روابط خانوادگی استفاده نموده‌اند. در حالی که بین مردان و زنان بی‌سواد جوان تفاوت خاصی مشاهده نمی‌شود. در این ارتباط باید گفت که نقش‌های اجتماعی متفاوت افراد باعث می‌شود که آنها رفتار زبانی متفاوتی داشته باشند. نخست، زنان در تعاملات زبانی به عامل اعتبار (آشکار)^۱ اجتماعی (هلمز^۲، ۲۰۱۳؛ توماسن و کافمن، ۱۹۸۸) توجه دارند و همین موضوع باعث می‌شود که آنها در استفاده از زبان عامدانه سعی کنند عناصری را از زبان غالب در زبان بومی وارد کنند. لذا استفاده بیشتر زنان باسواد جوان از اصطلاحات خویشاوندی زبان غالب (فارسی) قابل درک است. از طرف دیگر، به دلیل اینکه زنان بی‌سواد جوان از حضور و تعاملات اجتماعی محروم هستند، به همین خاطر، دلیلی برای استفاده این گروه از عناصر زبان غالب وجود ندارد. در مقابل، استفاده بیشتر مردان از اصطلاحات خویشاوندی را باز با مراجعه به موضوع اعتبار اجتماعی (هولمز، ۲۰۱۳: ۱۷۰) مرتبط

1. overt prestige

2. Holmes

دانست. لیکن، این بار استفاده از این اصطلاحات را با اعتبار پنهان^۱ می‌توان مرتبط دانست. به باور نویسندگان، استفاده مردان (فارغ از سواد و تا حدودی سن) از اصطلاحات خویشاوندی بومی نشانه رفتار مردانه تلقی شده و برای مردان نوعی اعتبار (پنهان) به همراه دارد. همچنین، افراد جوان (باسواد) با توجه به حضور فعال در جامعه و همچنین فشارهای اجتماعی از طرف گروه همسالان (هولمز، ۲۰۱۳: ۱۷۸)، آنها را به استفاده بیشتر از وام‌واژه‌های زبان غالب سوق می‌دهد و این تحلیل می‌تواند با نتایج پژوهش حاضر همسو باشد. در ارتباط با رفتار زنان و مردان مسن مشاهده شد که عامل جنسیت نقش مهمی در تنوعات ندارد و تقریباً زنان و مردان مسن دارای عملکرد مشابهی هستند (نمودار ۲). بر این اساس، مردان و زنان مسن باسواد از میزان کمتری از اصطلاحات خویشاوندی بومی استفاده کرده‌اند، در مقابل مردان و زنان مسن بی‌سواد (همچنانکه قابل پیش‌بینی است) از میزان بیشتری از واژه‌های کردی بهره گرفته‌اند. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که این عامل تحصیلات است که باعث این تفاوت شده است و نه عامل جنسیت.

برخلاف جنسیت، تحصیلات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتباط به به‌کارگیری یا بکار نبردن اصطلاحات خویشاوندی در گروه‌های هشت‌گانه مورد بررسی داشته باشد. همچنانکه اشاره شد، میزان توجه بیشتر افراد باسواد جوان به موضوع اعتبار اجتماعی دلیلی است که چرا افراد باسواد بیشتر از اصطلاحات خویشاوندی کردی استفاده نموده‌اند. برای این افراد، استفاده از زبان غالب یا حداقل عناصری از این زبان (مانند اصطلاحات خویشاوندی) از لحاظ اجتماعی دارای اعتبار بوده و ممکن است باعث ارتقاء شأن اجتماعی آنها شود. البته دلایل استفاده از عناصری از زبان غالب (در اینجا اصطلاحات خویشاوندی) ممکن است بسیار متنوع باشد؛ مثلاً گاهی ممکن است به دلیل اینکه گوینده بخواهد فاصله اجتماعی خود را (به دلایل متعدد) با مخاطب حفظ نماید، عمداً از برخی عناصر زبانی زبان غالب استفاده نماید. علت دیگر در ارتباط با میزان بالای استفاده افراد باسواد (جوان) از اصطلاحات خویشاوندی غیر-بومی تعاملات زبانی بیشتر این افراد با افرادی از زبان غالب باشد که به‌صورت طبیعی ممکن است منجر به جایگزینی برخی از عناصر زبانی (مانند اصطلاحات خویشاوندی) زبان بومی با معادل‌های زبان غالب شود. در ارتباط با به‌کارگیری اصطلاحات خویشاوندی، زنان و

1. covert prestige

مردان باسواد مسن تقریباً دارای رفتار زبانی مشابهی (مانند مردان و زنان باسواد جوان) هستند. در ارتباط با عامل تحصیلات، نظر توماسن و کافمن (۱۹۸۸) مبنی بر اینکه هرچه تماس زبانی بیشتر باشد و افراد با شدت بیشتری درگیر موضوع دو زبانی باشند به احتمال بیشتر متأثر از زبان غالب می‌شوند. در چارچوب ارائه‌شده به‌وسیله توماسن و کافمن (۱۹۸۸) عامل اجتماعی مهم در کیفیت و میزان وام‌گیری، شدت تماس و تعامل زبانی قلمداد می‌شود: به هر میزان که شدت تماس زبانی بیشتر باشد، فشار فرهنگی زبان زیرین (غالب) بیشتر شده، لذا به میزان بیشتری از وام‌گیری منجر می‌گردد. در جامعه ما، زبان رسمی و آموزش زبان فارسی است و افراد باسواد طبیعتاً به میزان بیشتری با آن در ارتباط هستند که می‌تواند منجر به میزان بالاتری وام‌گیری منجر شود. علاوه بر عامل تحصیلات، متغیر سن نیز نقش مهمی در ایجاد گوناگونی و تنوعات زبانی دارد. میزان تعامل افراد جوان با زبان غالب بسیار بیشتر از افراد مسن است. به این دلیل میزان استفاده بالای اصطلاحات خویشاوندی فارسی در این افراد بیشتر محتمل است. نتایج پژوهش حاضر این موضوع را تأیید می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد باسواد جوان نسبت به هم‌تایان مسن خود از اصطلاحات بومی کمتری بهره برده‌اند (نمودار ۵)؛ به عبارت دیگر، در این گروه‌ها افراد مسن‌تر از اصطلاحات بومی بیشتری بهره گرفته‌اند تا روابط خویشاوندی را بیان نمایند. با این حال، نباید فراموش کرد، به طور کلی در همه گروه‌ها، میزان استفاده از اصطلاحات کردی بالاست. تنوعات حاصل را نیز می‌توان با توسل به عوامل تحصیلات و سن توجیه نمود. نتایج نشان داد که عامل سن نقش پررنگی در تنوعات ناشی از نحوه و میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی بازی می‌کند. ارزیابی و نگرش گویشوران زبان نسبت به عناصر وارداتی موضوع دیگری است که اخیراً مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته است که می‌کوشند نگرش مثبت با منفی گروه‌های مختلف اجتماعی را به این‌گونه عناصر مورد بررسی قرار دهند (تریفرز دالر، ۲۰۱۰؛ هولمز، ۲۰۳). به نظر می‌رسد که افراد جوان نسبت به استفاده از زبان غالب جامعه یا حداقل استفاده از برخی عناصر این زبان دارای نگرش مثبتی هستند. این تحلیل می‌تواند با تحلیل تریفرز دالر (۲۰۱۰) منطبق باشد. از طرف دیگر، افراد مسن نسبت به استفاده از واژه‌های بومی دارای نگرش مثبت بوده و به نوعی (خصوصاً برای مردان) دارای اعتبار (پنهان) است.

آنچه تا اینجا تأکید شد توجیه و تبیین تنوعات حاصل در ارتباط با میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی بر اساس سه متغیر جنسیت، تحصیلات و سن بود. مرور دوباره جدول (۱) نشان می‌دهد که به‌رحال میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی در همه گروه‌ها زیاد است. زنان باسواد جوان با ۵۴٫۵٪ کمترین میزان و مردان بی‌سواد مسن با ۱۰۰٪ بیشترین میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی را به خود اختصاص داده‌اند. بقیه گروه‌ها نیز در بین این دو قرار دارند. این آمار بالای تمایل افراد برای استفاده از اصطلاحات خویشاوندی در کردی کلهری ممکن است برای برخی عجیب به نظر برسد. مرور پیشینه موضوع نیز نشان می‌دهد که این نتایج مبنی بر میزان بالای وام‌گیری اسم (اصطلاحات خویشاوندی) در تعارض با بسیاری از مطالعات قبلی است. در برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته، میزان وام‌گیری اسم بسیار بالاست (ماتراس، ۲۰۰۹؛ هکینگ و باکر؛ ۲۰۰۷؛ فیلد؛ ۲۰۰۲). میوسکن (۱۹۸۷) با طرح نظریه سلسله‌مراتب وام‌گیری نتیجه می‌گیرد که عناصر زبانی بالا در سلسله‌مراتب مانند اسم نسبت به عناصر پائین (مقولات نقشی) قابلیت وام‌گیری بسیار بالایی دارند. نتایج پژوهش حاضر این موضوع را تأیید نمی‌کند، زیرا همچنانکه دیدیم در مورد اصطلاحات خویشاوندی (که نوعی اسم هستند)، در کردی کلهری شاهد میزان بسیار بالایی در استفاده از واژه‌های بومی بودیم (نه وام‌واژه‌های خویشاوندی فارسی). در مقابل، رویکردهایی نیز هستند که در انطباق با نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش می‌باشند که به‌صورت اجمالی به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، اصطلاحات خویشاوندی انتخاب‌شده در فهرست ارائه‌شده، ما شاهد خلاء واژگانی در کردی برای اصطلاحات ارائه شده نیستیم. در همه موارد هم اصطلاح بومی هست و هم وام‌واژه معادل فارسی آن. همچنانکه در مقدمه عنوان شد، در برخی از حوزه‌های معنایی مانند فناوری، اصطلاحات و واژه‌های مربوط به حقوق، سیاست، اقتصاد و دیگر موضوعات علمی، ما در زبان کردی کلهری شاهد خلاء واژگانی هستیم و طبیعتاً واژه‌های زبان غالب (فارسی) بدون هیچ مقاومتی وارد زبان پذیرا (در اینجا کردی کلهری) می‌شوند؛ بنابراین، نظریه خلاء واژگانی (ماتراس، ۲۰۰۹) نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند، زیرا در مورد اصطلاحات کردی، چنین خلایقی وجود ندارد و میزان بالای استفاده از اصطلاحات خویشاوندی کردی کلهری (و عدم استفاده زیاد از اصطلاحات معادل فارسی) موجه است. از این لحاظ نتایج پژوهش حاضر

در انطباق با نتایج به دست آمده از پژوهش لاودی (۱۹۹۶) در زبان ژاپنی است. از این گذشته، روش پژوهش حاضر ارائه فهرست (پرسشنامه) است که در آن تلاش شده است از انتخاب واژه‌هایی که در کردی دارای خلاء هست اجتناب شود، در صورتی که اگر روش تحقیق پیکره-محور باشد، چه بسا شاهد نتایجی باشیم که کاملاً با نتایج این پژوهش در تضاد باشند. همین موضوع یعنی انجام پژوهشی پیکره-محور برای بررسی میزان استفاده از اصطلاحات خویشاوندی می‌تواند به عنوان یک موضوع برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد گردد.

علاوه بر این، نتایج و یافته‌های این پژوهش با نظریه واژگان پایه‌ای و پیرامونی (ماتراس، ۲۰۰۹؛ براون ۱۹۹۹) در انطباق است. در این نظریه، ادعا شده است که در موضوعات و حوزه‌های معنایی که با مفاهیم پایه و هسته‌ای زبان در ارتباط هستند، ما شاهد وام‌گیری فراوان از زبان غالب نیستیم، زیرا زبان‌ها برای مفاهیم پیرامونی خود دارای واژه هستند و نیازی به وام‌گیری ندارند. البته پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود این است که بین اصطلاحات خویشاوندی که بیانگر روابط و نسبت‌های نزدیک هستند و اصطلاحاتی که بیانگر نسبت‌های خویشاوندی دور و نسبی هستند تفکیک قائل شویم و میزان وام‌گیری را در هرکدام جداگانه بررسی نماییم. پیش‌بینی می‌شود که گویشوران زبان در ارتباط با اصطلاحات خویشاوندی بیانگر روابط نزدیک (در قیاس با اصطلاحات بیانگر روابط خویشاوندی دور) از میزان بالاتری از واژه‌های بومی بهره ببرند. در مقدمه عنوان شد که در انگلیسی، برای بیان اصطلاحات خویشاوندی نسبت‌های نزدیک از واژه‌های بومی با ریشه ژرمانی استفاده می‌شود، در حالی که برای بیان نسبت‌های دور، از واژه‌های فرانسوی استفاده می‌شود (ریبوک، ۲۰۰۲؛ لاودی ۱۹۹۶). نکته آخر اینکه، در کردی کله‌ری، معمولاً افراد در برخی موقعیت‌ها ممکن است از عبارات خویشاوندی کردی و در برخی موقعیت‌ها از اصطلاحات معادل فارسی استفاده نمایند؛ به عبارت دیگر، استفاده از اصطلاح بومی یا معادل فارسی آن با هم در توزیع تکمیلی هستند و هرکدام توزیع خاص خود را دارند. در پژوهش حاضر، مبنای انتخاب حالت بی‌نشان (پریسامد) و پرکاربرد قرار گرفت، لیکن نمی‌توان انکار کرد که افراد (خصوصاً افراد باسواد و جوان) ممکن است به‌تنوع از اصطلاح خویشاوندی کردی یا معادل فارسی آن در موقعیت‌های مختلف استفاده می‌کنند. این موضوع نیز به عنوان پیشنهادی برای پژوهش‌های دیگر مطرح می‌شود که دقیقاً حوزه کاربرد اصطلاحات

خویشاوندی کردی و وام‌واژه‌های معادل فارسی آنها بر اساس متغیرهای مختلف مشخص شود. کامری (۲۰۰۰) در زبان هاروای و ماتراس (۲۰۰۹) در زبان ییدیش پژوهش‌های مشابهی انجام داده‌اند که نتایج آنها نشان می‌دهد که استفاده از اصطلاحات خویشاوندی بومی و معادل‌های زبان غالب هرکدام توزیع خاص و مختص به خود را دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. زبان زیرین (sub-stratum) همان زبان بومی و محاوره‌ای است که نسبت به زبان زیرین (super-stratum) دارای کارکردهای محدودتری است و معمولاً فاقد خط و نظام نوشتاری است و غالباً برای محاوره و گفتگو بین افراد بومی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲. کردی کلهری یکی از چندین شاخه کردی جنوبی است که در بخش‌هایی از شهرهای شمالی استان ایلام مانند ایوان و شهرهایی مانند گیلان‌غرب و اسلام‌آباد غرب در استان کرمانشاه و حتی شهرهای خانقین و مندلی در کشور عراق بدان تکلم می‌شود. داده‌های پژوهش حاضر مشخصاً از کردی کلهری در شهر ایوان غرب گردآوری شده‌اند.
۳. زبان دومری (domari) زبانی است از خانواده زبان‌های هندی-ایرانی که به‌وسیله گروهی از مردم دوم (dom) در خاورمیانه و شمال آفریقا به آن تکلم می‌شود. این زبان در معرض انقراض شدیداً متأثر از زبان عربی است (ماتراس، ۲۰۰۹).
۴. زبان سیلیس (Selice) زبان گروه کمی از مردم اسلوواکی است که دارای تبار رومانیایی هستند. این زبان دارای ریشه هند و آریایی است و بیشتر واژگان این زبان برگرفته از زبان مجاری است (ماتراس، ۲۰۰۹).

منابع

- استاجی، اعظم (۱۳۹۴). بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال ۷، شماره ۲، شماره ۱۳، صص ۱-۱۹
- حیدری، عبدالحسین (۱۳۹۹). سلسله‌مراتب قرض‌گیری زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۳۹-۵۹
- عباسی، بیستون و کریستین کزازی (۱۳۹۲). بررسی واژگان خویشاوندی هورامی بر اساس معیارهای موردادک. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۲، صص ۳۱-۵۵
- گوهری، حبیب و شهرام جمالی (۱۳۹۹). بررسی میزان وام‌گیری در مقولات واژگانی اصلی بر اساس رویکرد سلسله‌مراتب وام‌گیری در کردی کلهری. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. پذیرفته‌شده برای انتشار. شناسه دیجیتالی (DOI): [10.22108/JRL.2020.120997.1445](https://doi.org/10.22108/JRL.2020.120997.1445)
- نقشبندی، زانیار؛ ملکی، ناصر؛ و علیرضا خانی (۱۳۹۵). بررسی اصطلاحات خویشاوندی در گویش کلهری گونه ایوانی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۸۵-۱۰
- منصوری، مهرزاد و شفق رحمانی (۱۳۹۴). نظام واژه‌های خویشاوندی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۱۵۷-۱۷۵.

- Abasi, B., Kazzazi, K. 2013. Analyzing Hawrami Kinship Terms Based on Murdock's Criteria. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 2 (1): 31-55, [in Persian].
- Bakker, P. 1996. *A language of our own. The genesis of Michif — the mixed Cree-French language of the Canadian Métis*. Oxford University Press.
- Bloomfield, L. 1933. *Language*. Holt, Reinhart & Winston.
- Borg, A. and Azzopardi-Alexander, M. 1997. *Maltese*. London: Routledge.
- Brown, C. H. 1999. *Lexical acculturation in Native American languages*. New York: Oxford University Press.
- Comrie, B. 2000. Language contact, lexical borrowing, and semantic fields. In: Gilbers, D. G., Nerbonne, J., and Schaeken, J. eds. 73–86.
- Estaji, A. 2015. A Diachronic Study of Kinship Terms in Persian. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects Biannual*, 7 (2): 1-19, [in Persian].
- Field, F. W. 2002. *Linguistic borrowing in bilingual contexts*. Amsterdam: John Benjamins.
- Gowhary, H. Jamali, Sh. 2020. Investigating Lexical Borrowing based on Borrowing Hierarchies in Kolhari Kurdish Emphasizing Gender, age and Educational Background. *Journal of Researches in Linguistics*, Articles in Press. DOI: [10.22108/JRL.2020.120997.1445](https://doi.org/10.22108/JRL.2020.120997.1445), [in Persian].
- Heidari, A. 2020. The Borrowing Hierarchy of Azerbaijani from Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 39-59, [In Persian].
- Hekking, E. and Bakker, D. 2007. The case of Otomi: A contribution to grammatical borrowing in cross-linguistic perspective. In: Matras, Y. and Sakel, J. eds. 435–464.
- Holmes, J. 2008. *An introduction to sociolinguistics*. Harlow, England: Pearson Longman.
- Haugen, E. 1950. The analysis of linguistic borrowing. *Language* 26: 210–231.
- Matras, 2000. Fusion and the cognitive basis for bilingual discourse markers. *International Journal of Bilingualism* 4(4): 505–528.
- Matras Y. 2009. *Language contact*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Minett, J. W. and Wang, S.-Y. 2003. On detecting borrowing. Distance-based and character-based approaches. *Diachronica* 20, 289–330.
- Moravcsik, E.A. 1978. Language Contact. In J. Greenberg (ed.) *Universals of Human Language*: 93–122. Stanford University Press.
- Morgan, L.H. 1871. *Systems of Consanguinity and Affinity of the Human Family*. Washington: Smithsonian Institution.
- Murdock, G.P. 1949. *Social Structure*. The MacMillan Company, New York.

- Muysken, P. 1981a. Quechua en Spaans in het Andesgebied. [Quechua and Spanish in the Andes.] *Tijdschrift voor Taal- en Tekstwetenschap* 1: 124–138.
- Muysken, P. 1987. Concepts, methodology and data in language contact research: Ten remarks from the perspective of grammatical theory. In *Papers for the workshop on concepts, methodology and data*, Network on Code-switching and language contact: 15–30. Basel.
- Naghshbandi, Z. Maleki, N. Khani, A. 2016. Investigating Kinship Terms in Kalhori Variety of Eyvan. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 3 (12), 85-104, [In Persian].
- Rahmani, S. Mansuri, M 2015. Kinship Term patterns in Iranian Languages. *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 5 (10): 157-175, [in Persian].
- Poplack, S., D. Sankoff & C. Miller 1988. The social correlates and linguistic processes of lexical borrowing and assimilation. *Linguistics* 26: 47–104.
- Salverda De Grave, J.J. 1906. *De Fransche woorden in het Nederlands*. [French words in Dutch.] Verhandelingen der Koninklijke Akademie van Wetenschappen te Amsterdam. Afdeling Letterkunde, Nieuwe Reeks, deel 6.
- Stolz, T. 2003. Not quite the right mixture: Chamorro and Malti as candidates for the status of mixed language: In: Matras, Y. and Bakker, P. eds. 271–315. Thomason, S.G. (ed.) (1996). *Contact languages. A wider perspective*. John Benjamins.
- Swadesh, M. 1952. Lexicostatistic dating of prehistoric ethnic contacts. *Proceedings of the American Philosophical Society* 96, 452–463.
- Thomason, S.G. & T. Kaufman 1988. *Language contact, creolization and genetic linguistics*. University of California Press.
- Treffers-Daller, J. 2010. Borrowing. In M. Fried, J. O. Ostman & J. Verschueren (Eds), *Vocabulary Studies in first and second language acquisition. The interface between theory and applications* (pp. 74-90). Houndmills Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Vellupillai 2015. *Pidgins, Creoles & Mixed Languages*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Weinreich, U. 1953. *Languages in contact*. Mouton.